ذهنیت شیخ طوسی نسبت به تواتر اصول القرائات و انعکاس آن در پذیرش ای در قرائتی خاص

شاگرد: ظاهر فرمایش شما این است که «الا انهم» احترازی از اهلسنت است. هم در سیاق عبارت ایشان و هم در سیاق عبارت شیخ ثقل کلام روی «جاز» است. احساس میکنیم که این «جاز» یک بار معنایی دارد.

استاد: بله، من حتماً عبارات تبیان و مجمع را میآورم. آنها تا زمانیکه قرائت به حد نصاب حجیت نرسد آن را حساب نمیکنند. و لذا آن جایی که به میدان یک قرائت میروند نزد خود اهل فن به حد نصابی که باید باشد نیست. قرائت حمزه بود که فرمودند «لحن». حمزه یک قرائت «و الارحامِ» دارد که بحث سنگین و مفصلی است؛ «وَاتّقُوا اللّهَ الّذِي تَسائَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحامَ[1]»؛ در قرائت معروف «و الارحامَ» است ولی حمزه «و الارحامِ» خوانده است. زمخشری همینجا خیلی بحث کرده. همینجا سر قرائت حمزه خیلی دعوا است. این یک جا است. مرحوم شیخ در اینجا برای «و الارحامِ» تعبیر لحن را به کار نمی برند. میگویند نحوی ها اینها را درست نمیدانند. میگویند که نحوی ها درست نمیدانند. اما در اول سوره مبارکه بقره «بِما أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ[2]»، نسبت به مد الف، شیخ دارند که قرائت حمزه لحن است.

خب ببینید اینجا لحن در فروش القرائات نیست. در اصول و نحوه ادا است. بسیاری مثل ابن حاجب که بزرگ این فن بوده میگفت: آن هایی که به ادا مربوط است –وقف و مد و امالـ- ربطی به معنا ندارد، بلکه نحوه ادا یک کلام عربی است. گفت اینها متواتر نیست. شاید در ذهن شریف مرحوم شیخ هم در مسأله تعدد قرائات این بوده که اساساً آن چه که به ادا مربوط است برای خود قاری است، اینها متواتر نیست. در مفاتیح الاصول هم مرحوم سید آنها را سه تا کردهاند. گفتهاند یکی مطلقاً متواتر است. یعنی حتی در غیر مادہ. دوم آن چه که به مادہ کلمه است متواتر است. اما آن چه که به ادا مربوط است متواتر نیست. قول دوم بود. چه بسا همین هم در ذهن شیخ الطائفه باشد. و لذا آن جایی که لحن حمزه را صریح میگویند برای این است که مد است. اگر خواستید به النشر ابن جزری مراجعه کنید. ایشان میگویند خود حمزه در اینجا اختلاف کرده است. یعنی خود حمزه این جور مدی یکی از اختیارات او در اقراء ها بوده است.اینها خیلی جالب است. وقتی آدم با فضا انس میگیرد اینها جالب میشود.

> فهذا الذي علمتہ ورد عن حمزة في ذلك من الطرق المذكورة وبكل ذلك قرأت من طريق من ذكرت. واختياري عنہ السكت في غير حرف المد جمعا بين النص والأداء والقياس ، فقد روينا عن خلف وخلاد وغيرهما عن سليم عن حمزة قال إذا مددت الحرف فالمد يجزي من السكت قبل الهمزة[3]

«فهذا الذي علمتہ ورد عن حمزة في ذلك من الطرق المذكورة...»؛ دو صفحہ توضیح دادہ. اختلافاتی از حمزہ کہ شیخ در اینجا فرمودند لحن ٌرا توضیح میدہند. بعد میگوید کہ این غایت علم من است. منی کہ ابن جزری ہستم کہ این ہمہ کار کردم ہمہ چیزهایی کہ از حمزہ میدانستم را برای شما گفتم. بعد میگوید: **«وبكل ذلك قرأت من طريق من ذكرت»**؛ ہمہ اینها را از استاد دیدهام.**«واختياري عنہ السكت في غير حرف المد»؛** میگوید اختیار من از قرائت حمزہ همینی است کہ شیخ میگوید لحن است. میگوید من این را قبول ندارم. **«جمعا بين النص والأداء والقياس»**؛ نص یعنی عباراتی کہ خود حمزہ تصریح کردہ است. «اداء»؛ یعنی آن چہ کہ از لبهای استادش شنیدهام و برای من تلفظ کرد. «القیاس» یعنی اعتباراتی کہ بر بحث حاکم میشود. بعد توضیح میدهد. بعد میگوید ابو عمرو دانی گفتہ **«وهذا الذي قالہ حمزة من أن المد يجزي من السكت معنى حسن لطيف»**.

بنابرایی آن چہ کہ شیخ فرمودهاند یک چیز صافی نیست کہ بگوییم شیخ یک چیز مسلم را گفتهاند کہ لحن است. این قدر در آن بحث است. اگر مراجعہ بکنید میبینید.

---

[1]النساء ۱

[2]البقرہ۴

[3]النشر في القراءات العشر ج۱ص۴۲۲

بازبینی #2
ایجاد شدہ 16 آوریل 2024 15:43:24 توسط ... .
بہ روزرسانی شدہ 25 مه 2024 13:20:43 توسط ... .